



حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۲۶ شهریور ۱۳۸۹
۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

کارگران ساختمانی، سوانح و بیمه اجتماعی

سوانح در محیط کار برای جان کارگران ایران است. مراکز کار به قتلگاه طبقه کارگر بدل شده است. هیچ آمار دقیقی از تعداد کارگرانی که روزانه در مراکز مختلف، بدلیل سوانح کار جان میدهند و کسائی که برای همیشه فلج میشوند، در دست نیست. مقامات رسمی صحبت از ۲۵ تا ۳۰ هزار سانه در سال و بیش از ده هزار قربانی میکنند. میگویند تکنیک و صنعت رشد سعودی دارد، اما سهم کارگر از آن افزایش ۲۰ درصدی سوانح کار در سال است. مراکز صنعتی و بخش ساختمانی بالاترین رقم را در مرگ و میر و نقص عضو به خود اختصاص داده اند. مقامات رسمی میگویند ۳۵ درصد سوانح کار در بخش ساختمان است که ۱۴ درصد آن منجر به مرگ خواهد شد. فاجعه به حدی شرم آور است که حتی مقامات دولتی نیز عدم وجود وسایل ایمنی و عدم توجه کارفرمایان به عنوان عوامل اصلی کشتار کارگران را نمیتوانند، انکار کنند. این در شرایطی است که طبق آمار وزارت رفاه یک میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی شامل بیمه اجتماعی نمی شوند.

بالاخره در سال ۸۶ و بعد از نوسال کشمکش، مجلس شورای اسلامی مسئله بیمه

صفحه ۲

اول مهر، زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

دانشگاه پادگان نیست!

اول مهر فرا میرسد و میلیونها دانش آموز و دانشجو خود را برای دوره جدید تحصیلات و همزمان برای دور جدید از مقابله و جدال در مراکز تحصیلی آماده میکنند. دانشگاهها همیشه مرکز کشمکش نسل جوان معترض و آزادیخواه با جمهوری اسلامی در دفاع از آزالیهای سیاسی، علیه اختناق، سرکوب، تحقیر و فضای پلیسی و اخراج و دستگیری بوده

کنگره چهارم و دخالتگری فعال

در سر نوشت جامعه



مصاحبه کمونیست با
عبدالله دارابی

کمونیست هفتگی: کنگره چهارم حزب حکمیتست علنی برگزار میشود، ویژه گی این کنگره چه است؟

عبدالله دارابی: راجع به علنی بودن یا نبودن کنگره، سیاست حزب کما فی سابق به قوت خود باقی است و در آن تغییری بوجود نیامده است و کنگره حزب بصورت روتین هر سال یکبار برگزار

این کار عظیم بخشی از وظایف حزب است



مصاحبه کمونیست با اسد گلچینی در مورد کنگره ۴

کمونیست هفتگی: کنگره چهارم حزب حکمیتست علاوه بر اینکه یک کنگره روتین حزب است، در این شرایط به چه نیازی میتواند جواب بدهد؟

اسد گلچینی: از نظر من دو مساله بسیار مهم است و کنگره چهارم حزب باید برای اینها جواب درست داشته باشد. مساله اول این است که پرچم جنبش کمونیستی و کارگری هر چه شفافتر در دستور کار حزب قرار گیرد و دومین مساله این است که وظیفه حزب در ساختن جنبش طبقه کارگر معلوم باشد و معلوم شود که حزب چه تعبیراتی برای انجام اینها باید بکند؟ در این موارد تا جایی که اینجا فرصت هست چند نکته را اشاره میکنم.

امروز ما میتوانیم سربلند باشیم به اینکه یک حزب پرولتری هستیم، سربلند باشیم به اینکه حزب طبقات بیکر نیستیم، حزب همه مردم نیستیم، حزب طبقه متوسط

کارگران جهان متحد شوید!

است. دانشجویان و نسل جوان در سه دهه گذشته دورانهای مختلفی را پشت سر گذاشته و خونین ترین جدال دولت ایران با

هر نوع آزادیخواهی و فضای باز سیاسی را تجربه کرده اند. در این سه دهه به کرات حمله به دانشگاه و قلع و قمع همه مخالفین و در راس آن نسل جوان معترض و آزادیخواه را به خود ندیده اند. در این سه دهه دهها هزار دانشجو طعم اعدام و زندان و شکنجه و احضار و اخراج و ... را در زمامداری انواع دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، چشیده اند و به جرم مخالفت با ارتجاع حاکم، به جرم دفاع از آزالیهای سیاسی و .. سرکوب شده اند. جمهوری اسلامی با علم به این حقیقت که دانشگاه انعکاس پیش

صفحه ۲

میشود. اما ویژگی کنگره چهارم به فاکتورهایی بر میگردد که پرداختن به آن حائز اهمیت است. بهمین خاطر خطوط وار به مواردی از آن می پردازم. طی یکی دو سال اخیر در اثر یورش همه جانبه رژیم بورژوازی ایران علیه طبقه کارگر و کمپ آزادیخواهی و برابری طلبی، توازون قوای سیاسی به نفع هر دو جناح بورژوازی و ضرر طبقه کارگر و کمونیست های ایران تغییر کرده است. چون در این یورش، هر دو جناح رژیم در حفظ و بقای سلطه نظام جمهوری اسلامی با هم مشترک بودند و بمنظور پایداری و برقراری این نظام، علیه مردم به میدان آمده و مبارزات بر حق آنان را

صفحه ۴

سعید آرمان

تجاوز به کوهان توسط رهبران

مذهبی

صفحه ۳

چهارم حزب این افتخار را باید برسمیت بشناسد و این بخشی از آگاه تر شدن ما به نقش حزبیمان و در اهتزاز نگاه داشتن پرچم کمونیسم و حزب کمونیستی برای کارگران و همه آزادیخواهان است.

اما ما به این آگاه بوده و هستیم که این کار بسیار عظیم تنها بخش کوچکی از اهداف تعریف شده حزب ما و اتحاد ما کمونیستها در حزب حکمیتست است. در هر کجا که هستیم، در تبعییم یا در محل کار و زیستمان در ایران، در شرکت و یا کارخانه ای در منجستر و استانبول و یا در عسلویه و نفت و یا در کارگاه های صنعتی شهرمان و یا در دانشگاه، هر جا کار و زندگی میکنیم این سوال بزرگ در برابرمان قرار دارد که قدم بعدی ما چیست؟ اینکه توانسته ایم مانند همیشه جنبش کارگری و کمونیستی و تفاوتپایش را با دیگران نشان بدهیم، مطلقا کافی نیست. مساله این است که جنبش طبقه کارگر را چگونه باید ساخت

صفحه ۴

هلاله طاهری

در حاشیه بیکار سازی وسیع

زنان در ایران

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول مهر، زنده باد آزادی...

پادگان نیست" و تلاش شما برای سازمان دادن جنبشی مستقل از جریان‌های دولتی و ارتجاعی به نسل جوانی که به دانشگاه‌ها روان است، راه کشمکش خونین سرکوب شد. صدها نشان داده است و چراغی است در نفر از فعالین و رهبران این حرکت فضایی تاریکی که مهندسی کرده اند. روانه زندان شدند و دور دیگری از پاکسازی کمونیست‌ها در دانشگاه شروع شد. سیری که همچنان ادامه دارد. با سرکوب این حرکت، فضای دانشگاه‌ها که انسانیت رانندگی کند محتاج است. بر همه حتی بر دمکرات‌های نیم بند و لیبرال‌ها و تحکیم وحتی ها و .. هم اعتراض مردم را زیر پرچم‌های سپاه و خونین رژیم علیه جنبش آزادیخواهانه و در راس آن دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، علاوه بر جمهوری اسلامی و مراکز جاسوسی و پلیسی آنها، علاوه بر آرم ریلیان حرفه ای و شکنجه گران آنها، طیفی از لیبرال‌ها و اصلاح طلبان و دمکراسی طلبان و نتوانده ایها نیز در پس زند عدالتخواهی نسل تحصیل کرده طبقه کارگر، با استدلال‌های مختلف، سهم ادا کردند. این اتفاقات به روشنی سیمای دوستان دروغین مردم را نیز بیش از هر زمانی عیان کرد.

اما و علیرغم اینها شرایط سختی در مقابل ما است. ارتجاع تا نندان مسلح در مقابل صف بسته است. ایجاد صف متمایز و جمع کردن نیرو در دفاع از آزادی و برابری، بیش از هر زمان به کار سنجیده و متدانه فعالیتی بستگی دارد که این اوضاع را درک میکنند. این دوره به کار متشکل و سازمانیافته ای نیاز است که صف وسیعی از مبارزین این راه را در شبکه های مبارزاتی به هم وصل میکند. خواست آزادی و برابری، خواست رفاه و آسایش و دفاع از حرمت و کرامت انسانها، خواست طبقه کارگر و بخش بورژوازی از راست ترین تا چپ ترین

آنها، پا به میدان گذاشت. سبز در دانشگاه بر شانه های همه آن احزاب و انجمنها و محافل و گروهی که به شکست دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب امید بسته بودند، در یک نوره امکان میداناری پیدا کرد.

با گذشت این مدت و با کنار رفتن پرده ابهام و نودی که بر فضای جامعه حاکم کرده بودند، اکنون بار دیگر حقایق ادعای کمونیست‌ها و کیفرخواست شما جوانان آزادیخواه و برابری طلب، علیه کل بورژوازی، سبز و سپاه آن، عیان تر از هر زمانی است. اکنون میتوان بار دیگر این ادعای کمونیست‌ها را با سری برافراشته و صدایی رسا اعلام کرد که نه تنها برابری انسان، که آزادی های سیاسی و حقوق زنان و خلاصی فرهنگی، تنها کار طبقه کارگر آگاه و کمونیست‌ها است.

دانشجویان، دانش آموزان، جوانان کمونیست و آزادیخواه!

امروز بیش از هر زمان حقایق تلاش چند ساله گذشته شما در ایجاد صفی انسانی در دفاع از آزادی و برابری عیان است. مبارزات آزادیخواهانه شما با شعار "آزادی - برابری" و "دانشگاه

کارگران ساختمانی...

کاهش حوادث ناشی از کار در تاسیسات صدقه بدهند"، لایه مقام "شامخ" خانه کارگرش هم نهایت تصویب کرد، اما تا هم اکنون این مصوبه اجرا نشده است.

رسانه های رسمی جمهوری اسلامی دلیل عدم اجرای آن را هزینه ای اعلام میکنند که پای صاحبان سرمایه خواهد افتاد. دولت و کارفرمایان مرگ روزانه کارگران ساختمانی را بر پرداخت هزینه بیمه اجتماعی و ایجاد امکانات ایمنی محیط کار ترجیح میدهد.

گستاخی کارفرمایان و دولت به جای رسیده است که دو سال قبل مسئولین شهرداری بسیاری از شهرها از جمله تهران و تبریز، طی نامه ای به احمدی نژاد خواستار متوقف کردن بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی به دلیل هزینه آن برای کارفرمایان بخش دولتی و خصوصی میشوند.

تبدیل مراکز کار در بخش ساختمان به قتلگاه طبقه کارگر تا حدی است که حتی خانه کارگر نیز صدایش در آمده است و در تلاش است با غرولند میزان تنفر از جمهوری اسلامی را با صدقه خواهی برای کارگران بکاهد.

دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان در مصاحبه با ایلنا به عنوان "نماینده" خود گمارده کارگران و "فعال کارگری" اظهار وجود میکند و میگوید: "اقدامی

برای حمایت آبرومندان از کارگران آسیب دیده ساختمانی" نشده است و ادامه میدهد که: "حتما باید کارگری قطع نخاع بشود و تا خانواده اش تحت پوشش کمک نهادهای خیریه قرار بگیرند؟"

دولت و کارفرمایان برای تامین سود بیشتر، از قبول هر مسئولیتی حتی زمانی که خود اذعان دارند که در سال ۱۰ هزار کارگر قربانی میشوند، خودداری میکنند، و مقام مسئول خانه کارگر با وقاحت تمام "کمک مراکز خیریه" را به خانواده کارگران، به جای ایمنی محیط کار، بیمه اجتماعی و مسئولیت دولتش در قبال جان و زندگی کارگران توصیه میکند.

مملکتی که مقاماتش به خود جرأت میدهند و به نام شهردار و "خدمتگذار" مردم نامه نوشته و خواهان توقف بیمه کارگران میشوند، که رئیس دولتش میتواند بیمه شدن کارگران را بدلیل نارضایتی کارفرمایان دو سال متوقف کند، در مملکتی که در صنعت نفت چنان شرایطی ایجاد کرده اند که مسئولین و کارفرمایان میتوانند جسارت کنند و در جواب به مرگ کارگران به دلیل سوانح محیط کار بگویند: "همکاران صنعت نفت برای دفع بلا و

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰

در حاشیه بیکار سازی ...

و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد. اما جهان امروز ما بر پایه استثمار و تبعیض بنا شده که حرمت و حق انسان بسته به نیاز سرمایه هر جا و هر لحظه لگال میگردد. در این جهان ما مجبوریم که با تمام توانمان از حقوقمان دفاع کنیم و برای آن بجنگیم. تحمیل قانون کاری مبتنی بر استانداردهای امروزی و مدرن و حق برابر و دیگر تسهیلات را باید از حلقوم کارفرمایان و دولت بیرون بکشیم. از همین امروز مبارزه برای بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار یکی از عاجل ترین مطالبه هاست که باید در دستور گذاشت.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سعید آرمان

تجاوز به کوکان توسط رهبان

مذہبی

میکند، زیرا دفاع از مالکیت خصوصی بخشی مهمی از اصول پایه ای تمام ادیان است. زیرا با اتکا به خدا و کلیسا و اسلام و مذاهب مختلف به عنوان عقیون مردم، بورژوازی میتواند خود را به عنوان عامل اصلی فقر و بردگی بری کند و به کمک مذهب و خدا، به استثمار خود ادامه دهد. بورژوازی ماندگاری خود را بخشا مبنیون تحقیق مردم توسط کلیساها و رهبان ادیان گوناگون است.

در اواخر ژوئن سال جاری پلیس بلژیک به کلیه دفاتر کلیساهای کاتولیک این کشور حمله کرد و کامپیوترها و بخشی از اسناد آنها را ضبط نمود و دفتر سر اسقف کلیساهای این کشور را

مهر و موم کرد. بنا به خبری که در سایت بی بی سی منتشر شده است، اعضای کمیسیون تحقیق که شهادت حدود ۵۰۰ قربانی آزار جنسی را شنیده اند می گویند، از شنیدن جزئیات نحوه تجاوز به قربانیان شوکه شده اند. یکی از این قربانیان گفته است که در ۲ سالگی به وی تجاوز شده است. صدها کودک از جمله بیش از یکصد دختر مورد تجاوز قرار گرفته اند که بنا به نتیجه تحقیقات ۱۹ نفر از قربانیان تجاوز جنسی خودکشی کرده اند که شش نفرشان از مرگ نجات یافته است. آنچه فوقا به آن اشاره شد تنها گوشه بسیار کوچکی از جنایت کلیساها و مذهب است که بر کودکان روا میدارند، دنیای کودکنه شان را نابود میکنند و مادام العمر از تنها بیکار شانس زندگی کردن در فضای روحی شایسته انسان، محروم میشوند.

پاپ در اولین سخنرانی کوتاهش در اینبورگ پایتخت اسکاٹلند در روز پنجشنبه ۱۶ سپتامبر، نفرت توام با نگرانی عمیق اش را علیه سیر رو به رشد سکولاریسم و گرایش روز افزون به بی خدایی و بی اعتنایی مردم به مذهب را بیان کرد. دولت انگلستان و دولت محلی برای استقبال از پاپ این دولت محلی از یکصد دختر آنم کلاش و مرتجع و توجیه کنند جنایات علیه کودکان، به شهر گلاسگو، از سه ماه قبل مردم را بسیج و کودکان و مصلین مدارس را در کامل وقاحت به استقبالش آوردند میلیونها پوند از جیب مالیات دهندگان را صرف پذیرائی از رهبر کشیشان کودک آزار کردند تا آنان را از سکولاریسم منصرف و به مسیحیت ارشاد بکند. همزمان در حین استقبال از پاپ جمعی از معترضین به سفر نامیومون پاپ با در دست گرفتن عکس کودکانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند اعتراض خود را به حضور این فرد مرتجع اعلام کردند. یکی از زرنلی که خود مورد تجاوز قرار گرفته بود به بی بی سی چنین گفت: "مردی که به من تجاوز کرده است هنوز آزادانه قدم میزند!

کار مذهبی که پاپ نماینده رسمی آن است همراه با سایر ادیاتی که میلیونها انسان را با هویتهای کاذب سرگرم میکند و آنان را به امید دنیای بعد از مرگ حواله میدهد با نبودی کار مزدی و بی نیازی مردم به تسکین خود تمام است. سفر پاپ و تلاش او بیکار دیگر این حکم مارکس را به اثبات میرساند که دین آه مخلوق مظلوم است، قلب جهان بی قلب، و روح شرایط بی روح است. دین افیون توده هاست. کمونیسیم معاصر میتواند و باید با تلاش بی وقفه برای سازمانیابی طبقه کارگر در اقصی نقاط جهان کرامت انسانی را به کارگر و جامعه و باور به خود برای تغییر مادی در زندگی و بی نیازی واقعی به مافیای مذهب باز گرداند و تضمین کند. همراه با این تحول اولین آزاد شونندگان کودکان معصوم از دست تجاوزگران کلیساها و مساجد هستند.

آزار جنسی نمایندگان خدا و مسیح در کلیساها قرار میگیرند و دول سرمایه داری غرب همچنان بر ابعاد این جنایات هولناک سرپوش میگذارد و با آن ممانعت میکند. سالهاست کلیسای کاتولیک تلاش میکند ننگ رسوائیهای جنسی را بر پیشانی خود بزداید و آن را مشمول گنشت زمان کند و پاپ بنیدیک شانزدهم و سلف قبلی خود ژان پاپ پل دوم را ناچار به عذرخواهیهای پی در پی در مسافرتها متعذرشان کرد و همیشه تلاش در توجیه این قبح کرده اند. علت این همه ممانعت دول بورژوایی با کلیسا چه هست و تا کی بشریت متمدن باید نظاره گر این همه فجایع علیه بی دفاع ترین انسانهای این جامعه باشد سوالی است که در مقابل هر وجدان آگاه و هر انسان شرافتمندی. اما بورژوازی به قدمت خود جواب به این سوال را با دفاع از خرافه مذهب و خدا و کلیسا داده است. سرمایه داری از مذهب همچون مردمک چشم حفاظت

هلاله طاهری

در حاشیه بیکار سازی وسیع

زنان در ایران

فقط در ربع اول سال رقمی بالای پانصد هزار زن در ایران بیکار شده اند. از مجموع بیکاران زن در جامعه ۴۶ درصد را زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ تخمین زده و به این صورت جمعیت زنان بیکار به یک میلیون و ۲۳۱ هزار رسیده است. سرعت بیکاری در میان زنان دو برابر مردان و در رشته هایی حتی بیشتر بوده و فقط ۱۵ درصد از جمعیت ۶۰ درصدی زنان، نیروی فعال بحساب آمده اند. واقعیت این است که این آمارها تنها گوشه هایی از واقعیت بزرگتری از زندگی کارگران زن و اقشار فقیر جامعه را نشان میدهند. تازه معلوم میگرد که بخش غیر رسمی کار زنان مانند میلیونها زنی که در کارگاههای کوچک بدون قرار داد به مشاغل خانگی میپردازند، زنان خانه داری که ساعتی طاقت فرسا مشغول نظافت و پخت و پز هستند و زنای که تن فروشی میکنند تا نان شب خود و فرزندانشان را تامین کنند، هیچکدام به عنوان نیروی "فعال" به حساب نیامده اند.

بیکاری، دستمزد نابرابر و شرایط سخت در محیط کار در کنار قوانین زن ستیز اسلامی سی سال است یک جهنم را به زنان تحمیل کرده است. جهنمی که هر گاه کارفرمایان به نیروی آن نیاز داشته اند، بکار گرفته و هر گاه نخواستند اند قبل از همه بیکارشان کرده اند. این البته مشخصه جهان سرمایه داری ست که طی سه قرن هر کجا به نیروی کار احتیاج داشته بلافاصله چارت مذهب، عرف و عادات جوامع عقب مانده را با ترکیبی از تسهیلات مدرن و امروزی بکار انداخته و بسته به شرایط اعلا یا بحران اقتصادی، دست به جابجا کردن نیروی کار انسانی زده است. در این سیستم زنان، کودکان و کارگران مهاجران چه ارزاتر به کار کشاند میشوند اما آسانتر هم اخراج میگردند. حکمت این حقه در سود و سرمایه است که هم گردانندگان سرمایه و هم آیت الله ها و کشیشان ادیان از آن میخورند.

در ایران طی سی سال قوانین زن ستیز اسلامی، در کنار استثمار و تبعیض سیستماتیک بورژوایی، زندگی زنان را از هر لحاظ به قهقرا کشانده اند. ایجاد فرصتهای شغلی و فراهم کردن فضای مناسب برای ارتقا و رشد زنان و توانایی هایشان نه تنها مسئله این رژیم نبوده بلکه در مقابل آن ایستاده اند.

همین دور اخیر با تصویب لایحه چند همسری، بستن مالیات بر مهریه های زنان در پروسه ازدواج، و یا انیت و آزار جنسی کارفرمایان یک دور دیگر خشونت و انیت و آزار سیستماتیک دولتی در کنترل کردن زنان از سرتاپا،

از بام تا شام، از داخل رخت و خوابایشان تا در خیابانها شروع گردیده است. دستگاههای تبلیغاتی رژیم از آنجمله حوزه های "خواهران علمیه" و در کنار آیت الله ها و مفسرین اسلامی از منبر و مساجد و رادیو تلویزیون، همه و همه بسیج شده اند که هشدار دهند چه در انتظار زنان خواهد بود. بر بستر این خشونتها زمینه های بیکار سازی وسیع زنان هم فراهم گردیده است.

بحران عمیقی دامن جامعه را گرفته و سرعت بیکار سازی ها غافلگیرانه است. در دوره بحران، سرمایه چه در ایران و چه هر کجای دنیا برای حمله به طبقه کارگر و کاهش سطح دستمزد، بی هیچ مهابلی به جان مردم میافتد و در اینراه هیچ رحم و انسانیتی نمیشناسد. هر گونه حقه و ترفند را بهترین و متخصص ترین کارشناسان شان به بحث گذاشته و دولت هم با زور ارتش و از بلندگوهای تبلیغاتی به جامعه تحمیل میکنند. ایجاد تفرقه در میان صفوف کارگران و مزدبگیران یکی از حربیه های آشنای سرمایه دران است، انداختن کارگر "خودی" به جان کارگر مهاجر، کارگر زن در مقابل مرد، و حتی جوان در مقابل پیر. و یا اینکه وعده هایی چون کاهش دو ساعت کار در هفته را میدهند و یا "وعده" میدهند که برای مشاغل خانگی "شناسنامه های کار" درست خواهند کرد. دست به چنین کاری میزنند تا از میزان خشم زنان تحت فشار کاسته و بسکوشان وادارند. طی سالیان دراز هیچ قانون کاری، هیچ کارفرمایی حاضر به نوشتن قرار داد با صدها هزار کارگر زن و مرد نبوده اند و هیچگونه امنیت شغلی و یا بیمه های اجتماعی به آنها تعلق نکرده است. وضع زنان در این میان اما بنتر از نیمه بیکار است.

از دیگر مضرات تفرقه و دودستگی میان زنان و مردان کارگر و کارکن، "جنسیتی" کردن مطالبات و مبارزات زنان است. گویا باید برای خواست برابری در دستمزدها، آزادی پوشش، تسهیلات و درمان، بهداشت رایگان، آموزش و تحصیل و بیمه بیکاری و غیره، "زنانه" به میدان آمد و "جنسیتی" به دفاع از آن پرداخت. این یک تحریف در حق برابری زن و مرد، در تلاش زن و مرد برای تغییر جهانیت که میخواهند هر دو در آن آزاد زندگی کنند. همه این مطالبات در کنار دهها خواست برحق دیگر آرزوی طبقه کارگر بازن ومرد است و با شفه شفه کردن راه رسیدن به آنها دشوار و دشوارتر میگردد.

کمونیستهای و کارگران سوسیالیست همواره اعلام کرده اند که خواهان جهانی عاری از نظام مزدی هستند، که در آن هر کس داوطلبانه به اندازه توان و خلایقش در تولید وسائل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند

مرگ بر جمهوری اسلامی

این کار عظیم بخشی از...

ببینیم چه اندازه توانستیم از لحاظ عملی و سبک و شیوه های کارمان، در روزمرگی حزب و زندگی، به آنها پاسخ بدهیم؟ به اینها فکر کنیم که ما هنوز کجای این سوالات هستیم:

" این کنگره باید به این سوال معطوف باشد که ما چگونه میتوانیم جنبش مان با این درجه موجود از اتحاد و پراکندگی در صفوف طبقه، با این حزب معین با توانائی ها و ناتوانی های معلوم، با این درجه سواد و بیسوادی، با این درجه خستگی و سرحالی و ... کل جامعه را از موقعیت کنونی به جایی که باید برود برساند. پاسخ به این سوالات حرف کلی، شعار و نصیحت برنمیدارد.

من در این کنگره شرکت میکنم چون این سوالات را دارم و میخواهم کنگره کمک کند که لااقل سرخ قرقره پاسخ به این سوالات را باز کنیم. این کنگره به نظر من باید کنگره طرح سوالات درست و تلاش برای پاسخ دادن به آنها باشد. این کنگره میتواند در مقابل این سوالات زانو بزند و بجای پاسخ دادن به آنها مانند احزاب دیگر مناسکی در مدح خود را اجرا کند و با نشئه اینولوژیک همه شاد و خندان و سرحال به خانه برگردیم و یا حزبی باشیم که مثل همیشه خونسرد چشم در چشم مشکلات بوزیم و برای آنها پاسخ پیدا کنیم.

من فکر میکنم این کنگره در تمایز از کنگره قبل در مقابل سوالات ماکرو تری قرار گرفته است. کنگره قبل مادر مقابل سوالات محدود تر در مورد تحولات سیاسی ایران قرار داشتیم. در این کنگره زمین و منظره کاملا متفاوتی را در مقابل ما قرار داده است که ما را نیازمند دادن پاسخ به سوالات محدود مان در چارچوب مسئله عمومی تری میکند. مسائل کنگره قبل امروز در ضرورت تعیین تکلیف طبقاتی- جنبشی با مسائل پایه ای تر ضرب شده و ابعاد بسیار عظیمی پیدا کرده است. سوالات بسیار مهمی تری را باید روشن پاسخ گفت. مثلا در حالی که همه میبینند که بار بحران دارد بر کرده طبقه کارگر خراب میشود چرا این طبقه آماده قیام نیست؟ چگونه میشود این قیام و این انقلاب را امروز سازمان داد؟ بطور مشخص مکانیسم به حرکت در آوردن طبقه کارگر چیست؟ آیا باید فعلا به روال نئوتوده ای ها مشاطه گر بورژوازی شویم تا بعد؟ رابطه کنکرت حزب ما با این طبقه چیست؟ چگونه میشود بحث حزب و قدرت سیاسی را به زندگی و مبارزه روزمره این طبقه گره زد؟ اینها لااقل از جمله سوالات من است و به این کنگره آمده ام تا جوابی برای آنها بگیرم"

(بخشی از سخنرانی کورش مدرسی در کنگره سوم حزب کمونیست اسفند ۸۷ - مارس ۲۰۰۹)

کنگره چهارم و دخالتگری...

هر نوع مبارزه ای که سلطه نظام را با خطر مواجه کند ممنوع اعلام کردند و اجازه نمی دهند کارگر و مردم آزادیخواه ایران از ابتدایی حق و حقوق خود دفاع نمایند. طی دو سال اخیر در زندان های رژیم بی وقفه بسوی رهبران کارگری و کمونیست ها، زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب باز بوده و در این سیاه چاله مخوف هزاران انسان شریف و آزادیخواه را زندانی کرده و به شیوه های قرون وسطایی آنها را مورد ضرب و شتم جسمی و روحی قرار دادند و تعداد زیادی را هم بصورت جمعی و فردی بدار آویختند. علاوه بر این، رژیم اسلامی ایران بمنظور محدود کردن کار و فعالیت کمونیستی و آگاه گرانه در خارج کشور، به پلیس بین المللی (اینترپول) هم متصل شده و اسامی بخشی از رهبری حزب ما را در لیست "تروریستی" قرار دادند. اعمال فشار مستقیم و همه جانبه رژیم در داخل و خارج کشور بویژه به حزب ما، واقعیتی مسلم و انکارناپذیر است. این حملات سازمانیافته علیه ما، از آنجا نشأت میگیرد که حزب کمونیست از بدو تأسیس اش تا کنون بخاطر استقرار یک حکومت سوسیالیستی در ایران، بی محابا کل موجودیت نظام سرمایه داری ایران را به عنوان پیش درآمد یک انقلاب سوسیالیستی به چالش کشیده و برای سرنگونی آن از هیچ تلاش و کوششی فرو گذار نبوده است.

حزب ما در یکسال و نیم اخیر در جنگ قدرت بین هر جناح های بورژوازی و رژیم اشان، بمنظور دور نگه داشتن کارگران و جنبش آزادیخواهی از صف هر دو جناح رژیم با تمام قدرت و توان خود مبارزه کرده و با صلابت و استواری کامل در این راه گام برداشت و لحظه ای کوتاه نیامد. کل جدالهای اجتماعی یکسال و نیم اخیر در ایران، شرایطی را فراهم ساخته تا بخش وسیعی از کمونیست ها بتوانند بصورت جمعی و علنی دور هم جمع شوند و برای برون رفت طبقه کارگر از این شرایط سخت و دشوار راه حل مناسب و کارسازی ببینند. در مجموع عواملی چون جدالهای سیاسی و اجتماعی یکسال و نیم اخیر، نقش سیاسی طبقاتی ما و همه کمونیست های ایران در این جدالها، سد و موانع پیشاروی طبقه کارگر و کمونیست ها و راه برون رفت از آن و... علل عموم ویژگی این کنگره و این اجتماع بزرگ کمونیستی را تعیین کرده است.

کمونیست هفتگی: توقع شما از این کنگره چه است و حزب کمونیست در

دل اوضاع پر تحول کنونی به کجا باید برود و چه نقشی میتواند ایفا کند؟

عبدالله دارابی: قبل از چیز کنگره ۴ باید تصویری را در مقابل کارگر و مردم انقلابی قرار دهد که برای آنها باور کرنی باشد. ما در یک سال و نیم اخیر با سیاست و نظرات نیز و کمونیستی خود در برابر هر دو جناح بورژوازی ایران و رژیم اشان ایستادیم و جنگیم و تلاش نمودیم چپ و کل جامعه ایران را از رفتن به سمت این جناح ها دور نگهداریم. اکنون وقت آن فرا رسیده است که این کنگره همراه با طبقه کارگر و همه کمونیست های ایران محصل این نبرد طبقاتی خود را جمع آوری کرده و در کسبه خود بریزیم. چون بدون فوکوس روی این زمینه، تداوم پیشروی های آتی با موانع زیادی روبرو خواهد شد. با توجه به آن تمرکز بر این موضوع یکی از تلاش های مهم این کنگره بحساب خواهد آمد. این اجماع بزرگ و علنی کمونیست ها تصمیم دارد تداوم مبارزه یکسال و نیم اخیر حزب کمونیست و کمونیست های ایران را به امر سازماندندان و متشکل کردن طبقه کارگر تبدیل نماید و با اتکا به آن روند متحقق ساختن اهداف نهایی این طبقه و کل جامعه ایران را به سمت پیروزی تضمین بخشد. حزب کمونیست کنگره علنی خود را با هدف خیز بر داشتن به سمت دخالت گری در سرنوشت قدرت سیاسی در ایران فرا خوانده و برای دستیابی به آن از راهبرد و توانایی همه شرکت کنندگان حاضر در کنگره نهایت استفاده را خواهد برد و در فردای بعد از کنگره هم به تلاش و فعالیت عملی تک تک آنان متکی خواهد شد. این اجماع کمونیستی در کنگره چهارم خود باید بار دیگر رو زنده نگهداشتن اهداف و آرمان و خطوط فکری تا کنونی حزب تاکید نماید و تداوم آنرا به دخالتگری فعال در جدال بر سر سرنوشت جامعه تبدیل نماید.

نشیه حزب کمونیست کارگری حکمیت

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم